

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی طائفه‌ی پنجم از آیات دال بر مشروعیت جهاد ابتدایی

ضمن بیان چند مطلب؛

یکی از آیات شریفه‌ای که در بحث جهاد باید مورد بحث قرار بگیرد آیه 71 از سوره مبارکه نساء است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا تَبَاتٍ أَوْ انْفِرُوا جَمِيعاً» که خداوند متعال به مؤمنین خطاب می‌کند.

در این آیه چند نکته‌ی مهم وجود دارد:

مطلب اول:

خطاب آیه، دالّ بر ایمان مکلفین و اهمیت بالای جهاد ابتدایی است؛

همین خطاب، دالّ بر این است که این تکلیف، یکی از تکالیفی است که کسی که به خداوند متعال ایمان ندارد، اصلاً آن را انجام نمی‌دهد. حالا ولو اینکه در باب تکالیف مشهور می‌گویند کفار همانطوری که مکلف به اصول‌اند، همانطور مکلف به فروع هم هستند؛ اما در آیات قرآن، جایی که تکلیف، تکلیف خیلی مهمی است، با عنوان «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مطرح می‌نماید و نمی‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاس».

مطلب دوم:

بررسی معنای لغوی و اصطلاحی کلمه‌ی «حِذْرُكُمْ»

حال این تکلیفی که در آیه سفارش شده، چیست؟ زیرا در آیه می‌فرماید: «خُذُوا حِذْرَكُمْ»؛ حذرتان را بگیرید، لذا برای پاسخ به این سؤال، ابتدا باید این سؤال پاسخ داده شود که «حذر» در لغت و اصطلاح به چه معناست؟

الف. بررسی معنای لغوی کلمه‌ی حذر؛

وقتی ما در مورد کلمه‌ی «حذر» به کتب لغوی مراجعه می‌کنیم، چند معنا را در این زمینه درمی‌یابیم، که عبارتند از:

یک. مصباح اللغة: حذر به معنای استعداد و آماده باش؛

فیومی در «مصباح اللغة» می‌گوید: «حَذَرَ، حَذَرَ مِنْ بَابِ تَعَبٍ وَ احْتَذَرُوا كُلَّهَا بِمَعْنَى اسْتَعَدُّوا»، پس فیومی در «مصباح اللغة» حَذَرَ را به معنای «استَعَدَّ» معنا کرده، «حذاراً»، به معنای آماده باش بودن و تأهب.

دو. مقایس اللغة: حذر به معنای بیداری و آمادگی؛

ابن فارس در «مقایس اللغة» می‌گوید: حذر را به معنای اسلحه بیان نکنیم، بلکه به معنای بیدار بودن، آماده بودن. یعنی در «مقایس اللغة» گفته «هو التحرز و التيقظ» تيقظ از همان استيقاظ و بیدار بودن است. «رجلٌ حذرٌ یعنی متيقظ متحرز».

سه. التحقيق في كلمات القرآن: حذر به معنای خوف و لازمه آن، استعداد و آمادگی است؛

مرحوم آقای مصطفوی(ره) در این «التحقيق في كلمات القرآن الكريم» که انصافاً خیلی زحمت کشیده، و لو اینکه ممکن است در بعضی موارد آن، مناقشاتی وارد باشد، به هر حال ایشان می‌گوید: «الأصل الواحد في هذه المادة هو التحرز الناشئ عن الخوف»، یعنی ایشان می‌گوید: ماده‌ی «حَذَرَ» را جایی استعمال می‌کنند که انسان، یک اجتناب ناشی از خوف داشته باشد؛ پس مطلق تحرز را حذر نمی‌گویند و مطلق خوف را نیز، حذر نمی‌گویند، اگر انسان از یک چیزی خوفاً اجتناب کرد؛ عرب اینجا تعبیر به «تحذر» می‌کند، آن وقت ایشان می‌گوید: «الاستعداد و التيقظ و التأهب من آثار ذلك الاصل» یعنی اصل این ماده در همان اجتناب کردن است و حذر به معنای اجتناب از روی ترس است و تحرز از خوف است، ولی لازمه‌اش این است که انسان آماده باشد، لازمه‌اش این است که انسان تيقظ داشته باشد.

بنابراین در اینجا آنچه مرحوم مصطفوی(ره) بیان می‌کند، تقریباً یک مقداری بر خلاف سایر کتب لغوی است که نقل کردیم؛ زیرا همانطور که گفته شد فیومی در «مصباح اللغة» می‌گوید: «حذر بمعنی استعداد، بمعنی تأهب»، پس فیومی نمی‌گوید: لازمه تحذر، تأهب است، بلکه قائل است خود احتراز و احتذار، به معنای آماده بودن و آماده‌باش است، ولی مرحوم مصطفوی(ره) قائل است: این تعبیری است که امکان دارد به همین معنا برگردد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ» آماده باشید؛ لذا از منظر ایشان، اصلاً دیگر در این آیه شریفه، نباید کاری به اسلحه داشته باشید و قرینه‌ی این مطلب آیه 102 نساء است؛ چرا که در ابتدا و انتهای آیه 102 نساء نیز، دو تعبیر دیگر در این زمینه آمده است؛ چه اینکه در ابتداء آن فرموده است «وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ» و در ذیل آن نیز، فرموده است: «أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ» لذا این آیه، قرینه است بر اینکه، اسلحه یک چیزی غیر از حذر است.

بیان نظر مختار پیرامون معنای حذر؛

البته باید متذکر شد که درست است در آیه 102 سوره نساء «وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ» هم حذر آمده و هم اسلحه آمده، ولی این مطلب منافات ندارد که در آیه ما نحن فيه، طبق روایت امام باقر(ع) که خواهد آمد، حذر به معنای خود اسلحه باشد. زیرا:

اولاً: در آیه 102 از سوره نساء ممکن است «أَسْلِحَتَهُمْ» عطف بیان یا عطف تفسیری برای «حِذْرَهُمْ» باشد و یا مهم‌ترین مصداق «حِذْرَهُمْ» باشد. پس «خُذُوا حِذْرَكُمْ» یا «وَلِيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ» یعنی مسلمان‌ها آنچه را که به وسیله آن باید جلوی دشمن را بگیرند باید داشته باشند، مهمترین آن سلاح است. به تعبیر دیگر، مصداق بارز «حِذْرَهُمْ»، اسلحه است؛ تا این آیه با آنچه که امام باقر(ع) در اینجا فرمودند که حذر را به معنای اسلحه بگیریم، منافات نداشته باشد.

ثانیاً: می‌توان گفت که هر کجا کنار «حذر» کلمه «اسلحه» آمد، حذر معنای دیگری دارد. لذا در ما نحن فیه، ما از حذر، اسلحه را استفاده می‌کنیم.

ب. بررسی معنای اصطلاحی کلمه‌ی حذر، از منظر مفسرین؛

در کلمات مفسرین برای کلمه‌ی «حذر»، مجموعاً دو معنا ذکر شده است؛ که عبارتند از:

«معنای اول»: اجتناب از دشمن با سلاح؛

این است که «أی إحدروا عدوكم بأخذ السلاح» از دشمنان با داشتن سلاح اجتناب کنید و پرهیزید. به عبارت دیگر، «خُذُوا حِذْرَكُمْ» یعنی «احذروا عدوكم»، دشمن را به اخذ سلاح از خودتان دور کنید و خودتان را مسلح کنید.

«معنای دوم»: حذر به معنای سلاح گرفتن است و مؤید آن، روایت امام باقر(ع) است؛

اینکه «حذر» به معنای سلاح و اسلحه باشد، «خذوا حذرکم» یعنی «خذوا اسلحتکم»، اسلحه‌ی خودتان را بگیرید. به عبارت دیگر، دومین معنای «حذر» این است که به معنای اسلحه گرفته شود؛ پس طبق این معنا «خُذُوا حِذْرَكُمْ» یعنی «خذوا اسلحتکم»، آن وقت آمدند در کتب تفسیری گفتند به اسلحه می‌گویند: «سمي الأسلحة حذرا لأنها الآلة التي بها يتقى الحذر»، اسلحه چیزی است که به وسیله آن انسان نگه داشته می‌شود و حفظ می‌شود؛ آن وقت این معنای دوم که «خُذُوا حِذْرَكُمْ» است، حذر را به معنای اسلحه قرار بدهیم یک روایتی از امام باقر(ع) داریم در ذیل این آیه که «خُذُوا حِذْرَكُمْ» فرمودند: «أی خذوا اسلحتکم» مرحوم طبرسی(ره) هم در «مجمع البیان» وقتی این دو قول را نقل می‌کند می‌فرماید «إِنَّ هَذَا الْقَوْلَ اصْصَحَّ لِأَنَّهُ أَوْفَى بِمَقَائِصِ كَلَامِ الْعَرَبِ وَ يَكُونُ مِنْ بَابِ حَذْفِ الْمُضَافِ وَ تَقْدِيرِهِ خَذُوا آلَاتِ حِذْرِكُمْ وَ سَائِلُ حِذْرٍ رَأَى أَنَّهُ لَا يَكُونُ سَبَبٌ فِي حِفْظِ شَيْءٍ وَ تَحَرُّزِ شَيْءٍ مِنْ دُشْمَانٍ» آن آلات در اینجا مراد است.

معنای سوم: حذر به معنای تأهب؛

اینکه «خُذُوا حِذْرَكُمْ» دلالت بر استعداد، تأهب و تیقظ دارد و اصلاً به آلت و اسلحه کاری ندارد.

به عبارت دیگر، همان‌طور که عرض کردم در کتب تفسیری، درباره‌ی معنای «خُذُوا حِذْرَكُمْ» دو قول ذکر کردند، یعنی تا اینجا سه تا احتمال شد، چون دو احتمالی که مرحوم طبرسی(ره) فرمود و یک احتمال هم ما از کتب لغوی آوردیم؛ لذا سه احتمال در اینجا وجود دارد که عبارتند از:

«احتمال اول»: اجتناب از دشمن؛

اینکه بگوییم «خُذُوا حِذْرَكُمْ» مراد این است که از دشمن اجتناب کنید، به وسیله اینکه خودتان را مسلح کنید.

«احتمال دوم»: اسلحه؛

اینکه «حذر» به معنای اسلحه است، که آن روایتی که از امام باقر(ع) هم رسیده این مؤید همین احتمال است.

«احتمال سوم»: تأهب، بدون نظر به اسلحه؛

اینکه «خُذُوا حِذْرَكُمْ» دلالت بر استعداد، تأهب و تیقظ دارد و اصلاً به آلت و اسلحه کاری ندارد.

حال طبق سه احتمال فوق، آن وقت باید بررسی نمود که ارتباط صدر آیه با ذیل آن چه می‌شود؟ زیرا در ذیل آیه می‌فرماید: «فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ بَعَادٍ» پس آیه دو قسمت دارد:

«قسمت اول»: فراز «خُذُوا حِزْبَكُمْ» آماده باشید؛

«قسمت دوم»: فراز «فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ بَعَادٍ» وقتی آماده شدید، برای جنگ کوچ کنید.

بنابراین طبق معنای اول و معنای دوم، مسئله‌ی اسلحه مطرح است، منتها در معنای اول از «فحوای آیه» می‌فهمیم، یعنی از دشمن، خودتان را حفظ کنید، به چه وسیله انسان می‌تواند خودش را از دشمن حفظ کند؟ به وسیله‌ی اخذ سلاح، اما در معنای دوم، دیگر مسئله‌ی اخذ سلاح از مفهوم آیه فهمیده نمی‌شود بلکه «معنای مطابقی» آیه است، یعنی «خُذُوا حِزْبَكُمْ» یعنی «خداوا اسلحتکم» اسلحه‌ی خودتان را آماده و مسلح کنید «فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ بَعَادٍ» که این فراز را در ادامه معنا خواهیم کرد.

پس قسمت اول آیه، برای وجوب جهاد مقدمه می‌شود که ما بعداً در فروع جهاد، آنجایی که یک کشوری اسلحه‌ی برای جهاد ندارد، یک کشور اسلامی اسلحه برای جنگیدن ندارد، اینجا جهاد برایش وجوب ندارد، یعنی از خود این آیه استفاده می‌شود که یکی از شرایط وجوب نفر برای جهاد، «خُذُوا حِزْبَكُمْ» است؛ حالا اگر مسلمان‌ها اسلحه ندارند و یا اسلحه‌شان به اندازه‌ی اسلحه‌ی دشمن نیست، این را باز دقت کنید که قرینه‌ی مناسبت حکم و موضوع دلالت دارد بر اینکه این حذر و اسلحه باید قابلیت برای جنگ باشد. حالا اگر در یک زمانی مسلمان‌ها اسلحه دارند، اما اسلحه‌شان قابل مقایسه با اسلحه‌ی کفار نیست، اینجا دیگر «فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ بَعَادٍ» معنا ندارد.

در بعضی از کتب در مورد فراز «خُذُوا حِزْبَكُمْ» گفتند که این قسمت از آیه «کنایه عن التهيؤ التام للخروج إلى الجهاد»؛ لذا طبق احتمال سوم اگر ما گفتیم «خُذُوا حِزْبَكُمْ» یعنی آماده باشید، یعنی آیه وجوب تهیّو همیشگی را برای مسلمان‌ها دلالت دارد. در احتمال اول هم اگر گفتیم «خُذُوا حِزْبَكُمْ» یعنی «احذروا من عدوكم بأخذ السلاح» آن نیز، همین دلالت را دارد و اگر طبق احتمال دوم گفتیم «خداوا اسلحتکم» یعنی اسلحه بگیرید و آماده باشید؛ لذا طبق هر سه احتمال دلالت بر وجوب تهیّو همیشگی بر مسلمان‌ها را از آیه استفاده می‌کنیم.

پس آیه نمی‌گوید حالا در این زمان لازم نیست دنبال اسلحه و سلاح باشید و اگر بنا شد روزی جنگ کنید، آن موقع سراغ تهیه اسلحه بروید، بلکه می‌گوید تهیّو باید همیشگی باشد. بنابراین در این آیه، «دو واجب» ذکر شده است به تعبیر دیگر، نکات اجمالی که تا اینجا از آیه استفاده کردیم این است که آیه «دو تکلیف» را بیان می‌کند. که عبارتند:

«واجب اول»: وجوب تهیّو و آماده باش همیشگی و دائمی برای مسلمان‌ها. یعنی «خُذُوا حِزْبَكُمْ» دلالت دارد بر اینکه واجب است مسلمان‌ها همیشه آماده باشند.

«واجب دوم»: وجوب نفر برای مسلمانان برای جهاد یعنی «فَانْفِرُوا» دلالت بر وجوب نفر برای جهاد دارد.

در نتیجه این آیه یکی از آیات بسیار خوبی است که ما می‌توانیم از آن برای وجوب جهاد استفاده کنیم. که ان شاء الله این فراز را در جلسه آتی بیان می‌کنیم.

حالا برخی از کلمات اهل سنت را هم بگوییم؛

یک. زمخشری: حذر به معنای احتراز از دشمن؛

زمخشری در کتاب «کشاف» می‌گوید: «**حُذُوا حِذْرَكُمْ**» را گفته «احذروا و احترزوا من العدو» از دشمن احتراز کنید «و لا تمکنوهم من انفسکم» کاری نکنید که دشمن بیاید بر شما سیطره پیدا کند، این تعبیری است که در «کشاف» آمده است.

دو. آلوسی: بنا بر فرمایش امام باقر(ع) حذر به معنای قوت و سلاح؛

آلوسی در کتاب «روح المعانی» جلد سوم صفحه 97 می‌گوید: «**حُذُوا حِذْرَكُمْ**» را گفته «أَيُّ عُدَّتْكُمْ» یعنی همان قوت و سلاح «من السلاح» بعد می‌گوید: «قالهم مقاتل» و بعد آلوسی می‌گوید: «و هو المروى عن أبي جعفر(ع)» اشاره می‌کند که اینجا روایت از امام باقر(ع) است که منظور از «**حِذْرَكُمْ**» همان «عُدَّتْكُمْ من السلاح» است و همین را هم اختیار می‌کند و بعد می‌گوید: «الحذر» چون آیه دارد «حِذِرْ»، و «حِذِرْ»، اسم مصدر از «حِذِرْ» است، یعنی «حِذِرْ» مصدر است و اسم مصدرش می‌شود «حِذِرْ»، ایشان می‌گوید: حِذِر «و هو الاحتراز عما يخاف» جایی که خوفی باشد و انسان از آن احتراز کند «فهنالك الكناية و التخيل بتشبيه الحذر بالسلاح و آلة الوقاية» حِذِر را به «آلة الوقاية» تشبیه کرده «و ليس الأخذ مجازاً ليلزم الجمع بين الحقيقة و المجاز» یعنی کلمه «أَخَذَ يَأْخُذُ» این مجاز در اینجا نیست؛ بعد در ادامه اشاره می‌کند «و لَيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ» اشاره به آن آیه می‌کند.

مطلب پنجم: بررسی دلالت آیه بر لزوم تهیه تجهیزات نظامی متناسب در برابر دشمن؛

نکته مهم دیگر درباره این آیه این است که اگر از «**حُذُوا حِذْرَكُمْ**» که طبق آن روایت امام باقر(ع) به معنای اسلحه است و از آن استفاده می‌کنیم که مؤمنین و مسلمان‌ها خودشان را باید مسلح کنند و همیشه آماده باشند، آیا از این آیه شریفه می‌شود استفاده کرد که هر سلاحی که دشمن دارد مسلمان‌ها هم خودشان را به آن مسلح کنند؟ و از این می‌خواهم یک نقبی به قول امروزی‌ها بزنم به این بحث مهم روز، بحث این است که دشمنان اسلام الآن مسلح به سلاح اتمی هستند، می‌دانید آمریکا، روسیه، اسرائیل و ... متعدد سلاح اتمی دارند، یا سلاح‌های شیمیایی که آنها دارند، یا هر نوع سلاحی دیگری که آنها دارند، حال سؤال این است که آیا می‌شود از فراز «**حُذُوا حِذْرَكُمْ**» استفاده کرد که هر نوع سلاحی که کفار دارند، مسلمانان هم باید داشته باشند؟ چون قضیه، قضیه‌ی جنگ با کفار است و اقتضای مقابله این است.

لقائل أن يقول: (البتة فعلاً این مطلب را بیان می‌کنم که روی آن فکر بفرمایید) که به دو جهت از آیه استفاده می‌شود که مانعی ندارد، یعنی به دست آوردن سلاح اتمی یا سلاح شیمیایی، مسلمان‌ها این را داشته باشند و تولید هم نکنند، از آیه استفاده می‌شود که اشکال ندارد؛ این دو جهت عبارتند از:

«جهت اول»: اطلاق آیه: «**حُذُوا حِذْرَكُمْ**» □

«جهت دوم»: دلیل مقابله؛ اینکه آیه چرا می‌گوید اسلحه داشته باشید و خودتان را مسلح کنید؟ برای مقابله با کفار. یعنی شما هم باید یک اسلحه‌ی مناسب با آنها داشته باشید و الا اگر شما شمشیر داشته باشید و آنها تانک داشته باشند، نمی‌شود؛ پس لاقش این است که به همان وزانی که آنها مسلح‌اند شما هم خودتان را مسلح کنید.

ادامه بررسی آیه 71 نساء و تحقیق پیرامون فراز «[فَانْفِرُوا](#)» □

البته ما هنوز به فراز «[فَانْفِرُوا](#)» نرسیدیم؛ چه اینکه در «[فَانْفِرُوا](#)» نکات دیگری وجود دارد که ان شاء الله در جلسه‌ی آینده نکات آن را عرض خواهیم کرد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین